

بررسی و تحلیل مولفه‌های موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت بر پایه دیدگاه آرمان‌گرایان مدینه فاضله اسلامی*

غلامرضا حقیقت‌نائینی^۱ * (نویسنده مسئول)، محمد شیخی^۲، مرتضی محمودی مهماندوست^۳

^۱ دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران
^۲ دانشیار گروه برنامه‌ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
^۳ دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۴

چکیده

با توجه به شواهد و نتایج پژوهش‌ها، زندگی در شهرهای سنتی ایران در قالب ساختار و نظام محله‌بندی انتظام و معنا می‌یافت؛ اما امروزه شهر به مجموعه شبکه‌های مختلف از روابط اجتماعی گسسته شده گفته می‌شود که حدود مرز آن برای هر شهروند متفاوت است. پیامد این تحول معنایی و گسیختگی اجتماعی، تنزل مفاهیم زیست در محلات دهه‌های اخیر است. در نتیجه، بازخوانی و تحلیل مفاهیم زیستی محلات گذشته برای فرایند توسعه و ارتقاء کیفی شهرهای امروز امری ضروری است. حس تعلق به محله، همسایگی، تعاون و مشارکت‌های اجتماعی از جمله مفاهیمی هستند که جریان زندگی محلات سنتی را هدایت می‌نمود که بهره‌گیری از آموزه‌های چنین مدل و نظامی می‌تواند موجب احیاء هویت محلات و گسترش راهکارهای اجتماع محور توسعه در جامعه گردد. دستیابی به چنین نتایجی نیازمند پذیرش محله به عنوان مکانی معنادار و هدایت‌گر جریان‌های فردی و اجتماعی سکونت است. از میان آراء و دیدگاه‌های مختلف پیرامون مفهوم محله، متفکران و آرمان‌گرایان مدینه فاضله اسلامی از جمله فارابی، ملاصدرا، سهروردی و ... با وجود برخی تنوع‌ها، رویکردی مشابه و همسو با ویژگی‌های مکان محور و اجتماع مبنای محلات سنتی اسلامی داشته‌اند. از این رو در این پژوهش ضمن تحلیل و اثبات نقش «محله به مثابه مکانی برای سکونت» به تبیین مولفه‌های ادراک مفهوم محله بر پایه دیدگاه اندیشمندان آرمان‌شهر اسلامی پرداخته‌ایم. روش تحقیق در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های تاریخی تفسیری و تجزیه و تحلیل محتواست؛ به گونه‌ای که در بررسی دیدگاه حکما و فلاسفه مدینه فاضله اسلامی، متون و مستندات تاریخی مرتبط تفسیر و تحلیل شده‌اند. همچنین در بررسی مبانی نظری مفاهیم و اصطلاحات مکان، محله، سکونت و همین‌طور تحلیل و تفسیر نتایج آراء اندیشمندان متقدم آرمان‌شهر اسلامی از روش تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. نتیجه اینکه شش مولفه به عنوان عوامل اصلی ادراک مفهوم محله از دیدگاه آرمان‌گرایان شهر اسلامی استنتاج می‌شود که شامل: تعاون و مشارکت اجتماعی، حس تعلق به محله، سلسله مراتب و حریم، ارزش‌های فردی و اجتماعی، انبیه و عناصر کالبدی محله و در نهایت تامین رفاه و رضایت‌مندی از محله است.

واژگان کلیدی: مکان، محله، سکونت، ادراک مفهوم محله و مدینه فاضله (آرمان‌شهر اسلامی).

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری شهرسازی مرتضی محمودی مهماندوست با عنوان «بازخوانی سیر تحول مفهوم محله در تهران معاصر» است که در گروه شهرسازی دانشگاه هنر (تهران) به راهنمایی آقای دکتر غلامرضا حقیقت‌نائینی و مشاوره آقای دکتر محمد شیخی در حال انجام است.

* E-Mail: haghighatreza@gmail.com

بدین اعتبار در بررسی مبانی نظری مرتبط با مفاهیم و اصطلاحات مکان، محله، سکونت و همین‌طور تحلیل و تفسیر نتایج آراء اندیشمندان متقدم آرمان‌شهر اسلامی و انطباق آنها با چارچوب نظری از روش تحلیل و تفسیر داده‌ها بهره‌گیری شده است. همچنین در بررسی و تحلیل دیدگاه حکما و فلاسفه مدینه فاضله اسلامی به برخی متون و مستندات تاریخی مراجعه شده و نتایج به دست آمده، تفسیر و تحلیل شده‌اند.

پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با مفهوم محله و عوامل ادراک آن مشتمل بر زیر‌عنوان‌های گوناگونی صورت گرفته که در آنها از روش‌های متنوع ارزیابی کمی و کیفی و تعاریف مختلف از روابط انسان و مکان بهره گرفته شده است. در موارد مطالعاتی این پژوهش‌ها بر اساس گزینش‌های مختلفی از مفهوم مکان به محدوده‌های مختلفی از جمله فضاهای شهری تا فضاهای عملکردی و بعضاً محلات نیز توجه شده است. در این میان پژوهش‌هایی به مفهوم محله منطبق بر تعاریف اندیشمندان ایرانی و خارجی و با رویکردهای متفاوت پرداخته‌اند که در اکثر آنها در بسط مفهوم محله در قالب دو مولفه عینی و ذهنی تعاریف و ویژگی‌هایی ارائه شده و به عوامل ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت اشاره‌ای نشده است. البته تعداد قابل توجهی از پژوهش‌ها به مولفه‌های موثر بر ادراک مکان پرداخته‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش تعلق به مکان «آلتمن» و «لو» اشاره کرد (Altman & Low, 1992). دیدگاه این مطالعه بر حس تعلق به مکان عمدتاً فرهنگی و بازگوکننده کیفیت انتساب معانی نمادین (اجتماعی، سیاسی، تاریخی، عاطفی و حتی اقتصادی) به یک محیط فیزیکی است. در مطالعه دیگری یک مدل ارزیابی چهار سطحی برای ادراک مکان ارائه شده است (Shamai, 1991). این پژوهش چهار سطح ادراک مکان از فقدان حس مکان تا حس تعهد نسبت به مکان را برمی‌شمارد. در پژوهشی دیگر، الیزابت بروکاتو در ارائه مدل تحلیل تأثیرات عوامل ادراک مکان به عوامل محیطی، طراحی کالبدی، کیفیت سرویس دهی و رضایت مندی اشاره کرده است (Brocato, 2007). در میان پژوهشگران ایرانی، فلاح به عوامل شکل دهنده مکان با تکیه بر مفهوم حس مکان پرداخته و دو عامل ادراکی و کالبدی را به عنوان عوامل شکل دهنده، معرفی کرده است. (فلاح، ۱۳۸۵) همچنین در بررسی مدل مفهومی ارزیابی حس مکان (مطالعه موردی: خیابان امام خمینی ارومیه) به مولفه عملکردی و اجتماعی، علاوه بر مولفه‌های کالبدی و ادراکی اشاره شده است. (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵) در پژوهشی دیگر، عوامل موثر بر مکان در قالب مدلی متشکل از سه مولفه فعالیت، ساختار فیزیکی و معنا ارائه شده است. (بنیادی و کاشی، ۱۳۹۲) در محدود

ساختار کالبدی و اجتماعی محلات در شهرهای تاریخی ایران، شاکله و نظام بخش ساختار اصلی شهر به شمار می‌رفت؛ به گونه‌ای که محله، امکان تعلق و وابستگی و شرایط پیوند فرد با محیط زندگی را فراهم می‌نمود و به تعبیری تعادل میان ساختار کالبدی و نظام اجتماعی شهری را سبب می‌شد؛ اما در چند دهه اخیر با ورود الگوی زندگی مدرن، ابزارها و تبعاتش و مفاهیم شهرسازی غربی به کشور، انگاره‌ها و اصول و مفاهیم سنتی محله ایرانی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و مفاهیم جدیدی در نظام شهرسازی کشور پدیدار گشته است. به همین ترتیب مفهوم و تعریف نوینی از محله نیز در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تحت عنوان محله قراردادی شکل گرفته؛ مفهومی که زمینه‌های فرسایش عاطفی افراد و کاهش تعلقات مکانی را سبب شده و باعث کاهش روحیه هم‌محله‌ای بودن و مشارکت ساکنان محله در توسعه محلات گشته است. در نتیجه در سال‌های اخیر، تعامل معنایی میان ساکنان و محلات به مثابه مکان سکونت از بین رفته و محله، دیگر نه به عنوان مسکن و مأمنی آرامش‌بخش بلکه فضایی برای بیتوته و اقامتگاه شبانه ساکنانش شده است. بر پایه تحولات پدید آمده در ارتباط و تعامل میان ساکنان و محلات، ادراک آنان از محیط زندگی و به تبع آن مفهوم محله نیز دگرگون شده و مفاهیم جدیدی شکل گرفته که کمتر اثر و نشانه‌ای از اصالت گذشته خود دارد. تامل بر مسائل مطرح شده توسط پژوهشگران می‌تواند نقطه تامل و عاطفی برای بازنگری ایجاد کند. از این رو هدف این مقاله، تحلیل و ارزیابی مولفه‌های ادراک محله از نظر ساکنان آن است. محله‌ای که مکانی معنادار و بستر سکونت به مفهوم متعالی آن محسوب می‌گردد.

روش تحقیق

در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های تاریخی و تفسیری و تجزیه و تحلیل محتوای داده‌ها به کار گرفته شده است. بدین ترتیب در نیل به هدف پژوهش ابتدا بسط و شرحی بر چند اصطلاح کلیدی پژوهش آورده شده است. محله، مکان و سکونت اصطلاحاتی است که تعابیر متنوعی از اندیشمندان حوزه‌های مختلف دانش‌های شهری بر آنها جاری و صادق است؛ لذا در گستره آراء و نظریات و رویکردهای متنوع به موضوع، این پژوهش ابتدا به معرفی و تحلیل تعاریف و دیدگاه‌های مورد پذیرش و مطلوب خود از مفاهیم مکان، محله و سکونت خواهد پرداخت و سپس بر پایه آراء و دیدگاه‌های فلاسفه و آرمان‌گرایان شهر اسلامی از جمله فارابی، ابن خلدون، خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا و سهروردی پیرامون مفاهیم معنایی سکونت و ادراک مکان در شهر و محله ایرانی - اسلامی به بررسی و تحلیل مولفه‌های موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت پرداخته خواهد شد.

عناصر و کیفیت‌هایی است که کاراکتر مکان را می‌سازد و به عنوان ماهیت مکان محسوب می‌شود (پیشین: ۷۸ و ۷۳). به عبارتی مکان را می‌توان با طبقه‌بندی بسه «فضا» و «کاراکتر»، تجزیه و تحلیل کرد. در حالی که فضا نشان‌دهنده سازماندهی سه بعدی عناصری است که مکان را می‌سازد و کاراکتر، به وجود اتمسفر عمومی مکان اشاره می‌کند که در واقع جامع‌ترین خاصیت هر مکانی است (پیشین: ۲۱۸). از نظر ادوارد رلف، مکان‌ها ذاتاً کانون گرد آمدن معناها هستند؛ معنایی که در تجربه‌های ما شکل گرفته‌اند. انسان‌ها چه به صورت فردی و چه گروهی با الصاق معانی به فضاها، آنها را به «مکان» تبدیل می‌کنند (Tiesdell & Carmona, 2007: 101).

ادراک مکان

ادراک انسان در مرکز هرگونه رفتار محیطی قرار دارد؛ زیرا منبع تمام اطلاعات محیطی است (مک اندرو و تی، ۱۳۸۷: ۳۶). شرایط ادراک، ظرفیت ادراک، ارزش‌ها و نگرش‌ها از عوامل تاثیرگذار بر ادراک انسان از محیط اطراف خود هستند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۳۱). ادراک، بیش از ترکیب اطلاعات حاصل از اندام‌های حسی است و آموخته‌ها و باورهای فرد در شکل دادن به ادراک مؤثرند. از سوی دیگر، پیش‌فرض‌ها یا توقع فضایی یا به عبارت ساده‌تر، انتظارات ناظر از محیط و فضا که حاصل تجربیات محیطی مکرر در گذشته و برگرفته از حافظه شناختی اوست، در فرایند ادراک تأثیر بسیار دارد (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۲).

اصطلاح مهم و کاربردی دیگر در این رابطه «تصویر ذهنی»^۱ است. تصویر ذهنی، مجموعه‌ای از اطلاعات و برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، تجربه‌ها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود دارد. به عبارت دیگر تصویر ذهنی زمینه‌ای عاطفی است که انسان آن را در چارچوب ساختار شخصیتی‌اش (آگاهانه یا ناآگاهانه) از جنبه‌های ویژه‌ای از واقعیت تجربه می‌کند. در ارتباط با یک پدیده، مجموع طرح‌واره‌های^۲ ذهنی بر روی یکدیگر، تصویر ذهنی از پدیده را می‌سازند. میسائیل ترب^۳ معتقد است در طراحی شهری، تصویر ذهنی، ترکیبی نمادین و البته سازمان یافته از محیطی مألوف است که اجزای آن در ضمیر شهروند نقش می‌بندد. نکته مهم و کلیدی در این است که این تصویر ذهنی نه تنها محیط کالبدی و اجزاء آن را بلکه تظاهر ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از مکان را نیز دربرمی‌گیرد (لینچ، ۱۳۷۴ و ثقة‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۸). در فرایند تولید تصویر ذهنی انسان، داده‌های دریافت شده از محیط در ذهن پردازش شده و پس از آن معنا می‌یابد. جالب این است که بر اساس یافته‌های ترب، برداشت ناظران یا به عبارت بهتر مخاطبان متفاوت از یک واقعیت در شرایط ادراکی همانند و یکسان، تا اندازه زیادی با هم همپوشانی داشته و حتی یکدیگر را تکمیل می‌کنند و انگاره‌های به اصطلاح گروهی می‌سازند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

پژوهش‌هایی نیز به عوامل ادراک مفهوم محله پرداخته شده که از آن جمله در مطالعه رحیمی و کرمی به چهار عامل فضایی، انسانی، عملکردی و زمینه‌ای به عنوان عوامل ادراک مفهوم محله اشاره شده است. (رحیمی و کرمی، ۱۳۹۸)

همان‌طور که مشهود است در این پژوهش‌ها مولفه‌های ارائه شده برای ادراک محله عموماً همان مولفه‌های کلی و عام کالبدی، کارکرد و معنا هستند که بر اساس مبانی نظری ادراک مکان و بیشتر متکی بر آراء اندیشمندان آکادمیک عموماً غیر ایرانی و بعضاً ایرانی ارائه شده و به ندرت به بسط معیارها و عوامل هر یک از مولفه‌های کلی مذکور پرداخته شده است؛ خصوصاً اینکه رویکرد پژوهش حاضر علاوه بر بسط مولفه‌های کلی ادراک مکان و تعیین معیارهای هر یک، تبیین عوامل ادراک محله به مثابه مکان سکونت، آراء و نظریات اندیشمندان متقدم اسلامی (آرمان‌گرایان مدینه فاضله اسلامی) است که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره‌ای نشده؛ حتی در پژوهش‌هایی که در حوزه مطالعات شهر اسلامی به نظریات این اندیشمندان رجوع شده نیز صرفاً مقولات و مفاهیم کلی در باب مفاهیم اجتماعی یا دینی در مقیاس کلان شهر مورد توجه بوده است.

ادبیات و چارچوب نظری تحقیق

بررسی آراء و نظریات اندیشمندان پیرامون مفهوم محله، ضمن ارائه چند رویکرد، بیان گر ارتباط چند اصطلاح کلیدی و موثر بر این مفهوم است. با توجه به هدف و رویکرد پژوهش، «مکان» و ادراک آن و «سکونت» از جمله مهم‌ترین این مفاهیم و تعابیر محسوب می‌شوند.

مفهوم مکان

در فرهنگ لغت جغرافیایی آکسفورد، واژه «مکان»، محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن بستر شکل گرفته و رشد یافته است. در تعریفی، مکان بخشی از فضا و دارای بار ارزشی و معنایی معرفی شده است (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۲). همچنین آن را نتیجه برهم‌کنش سه مؤلفه رفتار انسانی، مفاهیم و ویژگی‌های فیزیکی تصور کرده‌اند. از این رو مکان را می‌توان تجربه عرصه درونی در برابر عرصه بیرونی دانست (افشارنادری، ۱۳۷۸: ۴).

پدیده مکان از دیدگاه نوربرگ شولتز بر مبنای چارچوب نظری پدیدارشناسی، جلوه‌گاه عینی «دنیای زندگی» است (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۹۸) و فضای احساس و درک شده‌ای است که با خاطره عجین می‌گردد. از این رو، بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست‌وجو می‌کند. او همچنین هدف از ساختن را تبدیل محل به مکان می‌داند، یعنی آشکارکردن معانی بالقوه‌ای که در محیط داده شده است (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). بنابراین مکان، چیزی بیش از یک محل انتزاعی است و دربردارنده مجموعه

اندیشمندان متقدم اسلامی هستند که با تاکید بر اجتماع و زیست اجتماعی و اسلامی شهرنشینان، نگاهی آرمان‌شهری به محله داشته‌اند. این دسته در تعریف مدینه فاضله خود نقش و جایگاهی ویژه برای محلات و ساکنان آن در اداره و سازماندهی شهر در نظر پرورانده‌اند. در ادامه به اختصار به این دسته‌بندی و با تشریح بیشتر به آراء و نظرات اندیشمندان دسته سوم در خصوص مفاهیم شهر و محله آرمانی اسلامی خواهیم پرداخت.

۱. رویکرد تاریخ مینا و نقدگرا بر محلات

با بررسی آراء اندیشمندان این رویکرد، می‌توان به چند نگرش همسو و مشابه برگرفته از نگاه تاریخی به محله اشاره کرد که البته تقریباً همه آنها در پذیرش بی‌کم و کاست اعتبار و کمال محلات تاریخی مشترک‌اند.

به تعبیر اشرف، محلات شهر سکونتگاه گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و صاحبان پیشه‌ها بود. در شهرهای بزرگ گاهی هر محله برای خود شهری بود نیمه‌مستقل با بازارها، مساجد، گرمابه‌ها و روابط اجتماعی و سازمان اداری مشخص که وابسته به حکومت شهر بود (اشرف، ۱۳۵۳: ۳۵۰).

در تعریف پاپلی یزدی، محلات مسکونی در شهرهای ایرانی، حوزه‌هایی اجتماعی بوده‌اند که تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، آنها را از همدیگر جدا می‌کرده است (پاپلی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۵). شکویی معتقد است محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۶۹).

پیرنیا محله ایرانی را چنین توضیح می‌دهد: «محله یا کوی، یک شهر کوچک در دل شهر بوده که برای خودش بازارچه، مسجد، مدرسه و ... داشته است». وی معتقد است پس از ورود اسلام به ایران، محلات بنا بر اشتراکات موجود (مثلاً بر اساس همشهری بودن، فعالیت‌های مشترک و ...) شکل می‌گرفتند (پیرنیا، ۱۳۷۱).

فلامکی برخی ویژگی‌های زندگی محله‌ای شهرهای ایران را در خودکفایی و استقلال نسبی، زندگی و تحرک اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حجاب سکونتی، همزیستی محلی و ... دانسته است (فلامکی، ۱۳۷۴: ۱۳۲). همچنین وی در اشاره به یکپارچگی اجتماعی شهر ایرانی در گذشته معتقد است نمی‌توان خطوط مرزی کاملاً مشخص و پایداری بین محلات ترسیم نمود (پیشین: ۱۳۶).

علاوه بر اندیشمندان متقدم که بدان‌ها اشاره شد سایر پژوهشگران نیز در خصوص محله و ویژگی‌های آن مواردی را آورده‌اند که عموماً برگرفته از تعاریفی است که ذکر شد. از نگاه ایشان، محله تحت شرایط اقتصادی، اجتماعی زمان خود کار کردی مناسب به عنوان سکونتگاه در قالب سلول‌های شهری ارائه می‌داد و عاملی در جهت تجلی بخشیدن به اصل سلسله‌مراتب و حریم در شهرها بود (باستانی‌راد، ۱۳۹۱: ۶؛ عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۶ و نقی‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۳۱).

عوامل فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی، سه عامل اصلی موثر بر ادراک مکان‌ها هستند (Relph, 1976; Steele, 1981; Montgomery, 1998: 97). دو عنصر اول از این عوامل را شاید بتوان به آسانی درک کرد؛ اما درک معنا بسیار دشوارتر است. مکان از طریق معانی که مهم‌ترین مولفه به شمار می‌رود قابل درک است (Relph, 1976). به باور معمار هلندی آلدوفان ایک، فضا در تصور انسان تبدیل به مکان می‌شود و زمان در تصور انسان مناسبت را می‌آفریند. (Carmona & et al, 2003: 98)

محله به مثابه مکان

به همین اعتبار محله نیز از طریق ساکنان و جریان زندگی آنها که خود جزئی از مولفه‌های مکان‌اند معنا یافته و در تصور آنها ادراک می‌شود و البته مناسبات مختلف زمانی بر ادراکات ساکنان محله تاثیر خواهد گذاشت. به بیانی عام‌تر، محله به مثابه مکانی حاوی معناست. مکانی که معنای خود را از عوامل مختلفی چون نگرش‌ها، خاطرات، تعلق افراد با محله، نام محله، روایات پیرامون محله، تجارب و سایر پیوندهای معنوی با محله بازمی‌یابد.

مفهوم و چیستی محله

با پذیرش ماهیت مکان برای محله، در ادامه به تبیین و تحلیل تعاریف و مفاهیم محله با تاکید بر مولفه‌های معنایی آن خواهیم پرداخت. با توجه به هدف پژوهش یعنی تبیین مولفه‌های ادراک مفهوم محله از دیدگاه آرمان‌گرایان شهر اسلامی، بیشتر آراء نظریه‌پردازان متقدمی که محله ایرانی - اسلامی را در مدینه فاضله تجسم کرده‌اند مطلوب پژوهش بوده است؛ گرچه مجموعه آراء اندیشمندان دیگر که با رویکرد تاریخی و یا کمی - عملکردی به محله پرداخته‌اند نیز به اختصار معرفی و تحلیل شده است.

به طور کلی دو دیدگاه در خصوص ماهیت محله‌ها قابل طرح‌اند: اول محله به عنوان موجودیت فیزیکی و دوم محله به عنوان یک ساختار اجتماعی (قرایی، ۱۳۸۷: ۸۷). به تعبیر دیگر این کلمه هم بر وضعیت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند، اشاره دارد و اکثر اندیشمندان در تعریف خود بر عوامل کالبدی و فیزیکی محله و یا بر عوامل اجتماعی و فرهنگی و یا بر هر دو تأکید کرده‌اند (کلانتری خلیل آباد و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴۰ و ۴۱).

در مجموع با بررسی آراء و نوشته‌های اندیشمندان ایرانی می‌توان نگرش آنها در تعریف محله را به سه گروه اصلی تقسیم نمود: گروه اول تاکید بر هویت تاریخی و فرهنگی را سرلوحه قرار داده و به مفهوم محله بیشتر با رویکرد تاریخی توجه کرده‌اند و تعریف آنها از مفهوم محله برگرفته از همان مفهومی است که در گذشته جاری بوده است. گروه دوم سعی کرده‌اند تا محله را در دوره معاصر و با نوعی نگرش قیاسی و تکمیلی بر تعاریف غربی و با غلبه رویکرد کمی و عملکردی تعریف نمایند. گروه سوم که با توجه به هدف این پژوهش بیشتر مدنظر خواهد بود، دسته‌ای از

ابونصر فارابی (متولد ۲۵۷ ه. ق / ۸۷ م) انسان را موجودی می‌داند که به صورت طبیعی حیات مدنی دارد و نیازمند اموری است که جز با جمع و در جمع و به کمک جمع برطرف نمی‌شود (نفسی، ۱۳۶۸: ۲۵). اجتماعات از نظر فارابی در یک تقسیم کلی به دو بخش کامله و غیر کامله تقسیم می‌شوند. اجتماع غیرکامل به تجمعی اطلاق می‌شود که به مرحله مدنیت و شهرنشینی نرسیده باشد و به تعبیر جامعه‌شناختی یک جامعه کامل و فرهنگ تامی به وجود نیامده باشد. در این جامعه ساخت اقتصادی، سیاسی، مذهبی، معرفتی، تربیتی و اخلاقی مستقلی تشکیل نشده بلکه تابعی از یک امت و یا به تعبیر دیگر تابعی از نظام و سیستم کلی مدینه و جامعه است. اجتماع ده، اجتماع محله، کوی و منزل که کوچک‌ترین نوع اجتماع است، چنین اند. اجتماع و زندگی جمعی در سیر صعودی هنگامی به اولین مرتبه کمال قدم می‌نهد که مدینه تشکیل شود (خوش‌رو، ۱۳۸۳: ۵۱ و ۵۲). پس مدنیت و مدینه‌نشینی اولین مرتبه سیر تکاملی زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌رود که به نظر فارابی دائماً در حال گسترش و تعالی است. هرچه مدنیت گسترده‌تر و پیچیده‌تر شود انسان به کمال مطلق خود نزدیک‌تر می‌شود.

فارابی جامعه را همچون موجود زنده و یا بدن سالم و هدف نهایی مدینه فاضله را دستیابی به فضیلت، خیر، سعادت و کمال انسانی می‌داند. در نگاه وی شایستگی‌ها و قابلیت‌های افراد از دو منشأ «سرشت ذاتی» و «آموزش» سرچشمه می‌گیرد (فارابی، ۱۳۷۶: ۲۱۸-۱۹۶). از دید فارابی، عدالت در مدینه معیاری است که سایر موضوعات و مسائل مدینه بر اساس آن تعیین می‌شوند. تا زمانی که این معیار برپاست، مدینه بقا می‌یابد و هرگاه عدالت از محوریت خارج یا فراموش شود، مدینه دچار اضمحلال می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۲۷۰). وی در خصوص دستیابی به سعادت، به لزوم تعاون و همکاری اشاره می‌کند؛ چرا که فضیلت عدالت با خودنگری و توجه به منافع فردی تحقق نمی‌یابد و باید با تعاون و همکاری، محبت و دگردوستی به اجرای عدالت پرداخت (ساروخانی و طالبی، ۱۳۸۸: ۶۲).

نتایج به دست آمده از آرای این دانشمند، حکایت از حس کمال‌خواهی، انسان‌دوستی، جمع‌گرایی و توجه به اصولی همچون عدالت، تعاون و همکاری، محبت و دگردوستی، مشارکت و آموزش در کنار سعادت جمعی که امری معنایی و اخروی است، دارد. در نظر فارابی روابط اجتماعی، شالوده زندگی اجتماعی است و اجتماع وسیله‌ای برای رسیدن به هدف یعنی کمال است که سعادت دنیا و آخرت را تأمین می‌کند. فارابی سعادت و فضیلت را تابع زمان و مکان نمی‌داند؛ به بیان دیگر مدینه فاضله به نقطه ویژه‌ای محدود نمی‌گردد و می‌تواند در همه جای عالم منتشر و مستقر شود. از این رو گرچه محله به عنوان یک اجتماع غیر کامله تلقی می‌گردد که به مرحله مدنیت و شهرنشینی نرسیده؛ لکن

همان‌طور که آمد اندیشمندان این گروه مفهوم محله را در گذشته تعریف کرده و محله را یکی از اجزای اصلی ساختار شهرهای ایرانی اسلامی به شمار آورده‌اند.

۲. رویکرد عملکردمبنا و کمی‌گرا بر محلات

پژوهشگران این دسته به دنبال ارائه تعاریف و ویژگی برای محلات امروزی، در عین حال که نگاهی ناقد بر مسائل و محدودیت‌های محلات امروز در آنها دیده می‌شود. بر این اساس شیعه در تقسیم‌بندی کالبدی شهر به اجزای مختلف، به محله اشاره کرده و محله‌بندی را یکی از مراحل اصلی در برنامه‌ریزی یک شهر می‌داند. وی به تقسیم‌بندی محلات بر اساس جمعیت، مقیاس و ابعاد کمی می‌پردازد (شیعه، ۱۳۷۳: ۴۳۵). حبیبی و مسائلی با نگاهی مشابه بر اساس مشخصاتی چون فضاهای آموزشی، فضاهای تجاری و فضای سبز در هر محله، سرانه مورد نیاز، نوع ارتباطات، موقعیت، ضوابط طراحی و اولویت‌سازی کاربری‌ها به تعاریف مبتنی بر کمیت و مقیاس از محله پرداخته‌اند (حبیبی و مسائلی، ۱۳۷۸: ۳۵). سعیدنیا نیز با تکیه بر معیارهایی مشابه واحدهای همسایگی غربی^۵ به تعریف «زیرواحد همسایگی»، «واحد همسایگی» و «محله» می‌پردازد که هر کدام مبنایی بر اساس مساحت و جمعیت دارند (سعیدنیا و ابوالمعالی، ۱۳۹۳).

همان‌طور که مشهود است در این دسته‌بندی محله در عصر حاضر تعریف و برای آن الگوهای متفاوت و مشابهی ارائه شده است. این اندیشمندان در راستای تهیه الگوی واحد محله‌ای در ایران، سعی در مشخص کردن اندازه، مساحت، جمعیت و کاربری‌های مورد نیاز و یا ویژگی عناصر و اجزای محله مشابه آنچه که در شهرسازی غرب با عنوان واحد همسایگی تعریف می‌شود، داشته‌اند.

۳. رویکرد مبتنی بر آرمان شهر اجتماع محور اسلامی بر محلات

به لحاظ مفهومی، آرمان‌شهر یا یوتوپیا تجسم شهری آرمانی مطابق با آرزویی کاملاً طبیعی برای انسان است. در واقع با تحقق این آرزو، پندار و رفتار و برگرفته از آن مکانی پیدا می‌شود که جمیع خیرها و فضیلت‌ها را در خود جای داده است و در آن از شر و شیطان خبری نیست. از نظرگاه حکمت اسلامی، انسان جاننشین خدا بر زمین بوده و خداوند از روح خویش در کالبد وی دمیده است. پس انسان باطن خدایی دارد. از این رو محیط زندگی و ظرفی که خلیفه‌الله در آن زندگی خاکی خود را می‌گذراند، باید متناسب با ماهیت الهی ذات انسان باشد. در واقع همان‌طور که انسان، کالبدی با روح الهی است، شهر، محله، خانه و در مجموع محیط زندگی او نیز باید روح الهی در کالبد خویش داشته باشد و در نتیجه ذهن کمال‌گرای انسان همواره به دنبال تشکیل یک آرمان‌شهر یا مدینه فاضله بوده است. در این قسمت به رویکرد متفکران و آرمان‌شهرگرایان اسلامی بر چیستی و ماهیت محله خواهیم پرداخت.

در نظر او این جامعه غیرکامل تابعی از نظام کلی جامعه و مدینه کامله یعنی تجلی گاه صفات عالیة فوق خواهد بود. در نتیجه اصولی که امروزه در جهت ارتقای جوامع انسانی و پایداری جوامع شهری و یا محلی باید مد نظر قرار گیرد، در حقیقت بخشی از همان اصول مدینه فاضله‌ای است که انسان در هر اجتماعی باید در جست‌وجوی آن باشد.

ابن خلدون، فیلسوف مسلمان عرب و جامعه‌شناس شهیر سده‌های هشتم و نهم هجری قمری است. وی نحوه زندگی بادیه‌نشینان را بررسی می‌کند و آنها را گروهی می‌داند که به کشاورزی و دامپروری مشغول‌اند و از آنجا که برای پرورش حیوانات و گیاهان محتاج به چراگاه و زمین‌های حاصلخیزند، مجبورند که در دشت‌ها و صحراها زندگی کنند؛ ولی با بهتر شدن وضع اقتصادی این طوایف، خواست‌های تجملی و غیرضروری مورد توجه قرار می‌گیرد و درصدد توسعه خانه‌ها و بنیان‌گذاری شهرهای کوچک و بزرگ برمی‌آیند. از آنجایی که خواست‌های ضروری، مقدم بر نیازهای تجملی بشر است، بادیه‌نشینان به منزله اصل و منشأ شهرها و مقدم بر شهرنشینی است (لاکوست، ۱۳۸۶: ۲۵۰-۲۴۱). به نظر می‌رسد ابن خلدون منشأ پیدایش شهرها را با نحوه زندگی اقتصادی بشر مرتبط می‌داند.

وی در کتاب «المقدمه» به ویژگی‌ها و خصوصیات شهر، شهرنشینی، اخلاق شهروندی و رابطه انسان با شهر و تأثیر مردم در روند رشد و توسعه شهر اشاره می‌کند. با مطالعه آراء ابن خلدون این نتیجه به دست می‌آید که از مهم‌ترین صفات شهر مطلوب، توجه به مشارکت‌های مردم و تعلقات اجتماعی افراد نسبت به محل زیست خود و دیگر شهروندان است که وی از آن به عنوان «عصبیت»^۷ یاد می‌کند. وی متذکر می‌شود ظهور شهری که رو به سمت توسعه و رشد پایدار دارد، نتیجه تلاش همگانی و همکاری آحاد مردم با یکدیگر و با طبقه حکمران و یا همان حضور عصبیت است (نقی‌زاده و محتشم امیری، ۱۳۹۴: ۷۳-۷۲). در واقع ابن خلدون جامعه‌ای که پیشرفت و تمدن شهرنشینی و پاکی اخلاق و عصبیت بادیه‌نشینان داشته باشد را جامعه مطلوب می‌داند. تجلی مصادیق عصبیت در جامعه شهری، احساس تعلق به شهر و محله را افزایش می‌دهد. این مفهوم موجب ایجاد غرور و یکپارچگی قومی و محلی شده و احساس مسئولیت هر فرد نسبت به جامعه خود از جمله محله را سبب می‌گردد و روحیه تعاون، یاری و احسان در میان ساکنان را تقویت می‌کند. همچنین این اصل موجب پویایی، سرزندگی و تحرک اجتماعی شهروندان و به خصوص ساکنان محله می‌گردد و مشارکت، روابط اجتماعی و اجتماع‌پذیری در هر سطحی از اجتماعات به‌ویژه جامعه محلی را ارتقاء می‌بخشد.

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۸ ه. ق) در کتاب اخلاق ناصری خود به کلمه تمدن اشاره می‌کند و می‌نویسد: «سعادت سه جنس

است ... سیم سعادت مدنی که به اجتماع و تمدن متعلق بود» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۶: ۱۵۴). وی طبیعت انسان را مدنی (مدنی الطبع) می‌داند و باور دارد که کمال انسانی تنها در جامعه تحقق می‌یابد و نوشته است: «و چون وجود نوع بی‌معاونت صورت نمی‌بندد و معاونت بی‌اجتماع محال است پس نوع انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع و این نوع اجتماع را تمدن خوانند و تمدن مشتق از مدینه بود و مدینه موضع اجتماع اشخاصی بود که با انواع حرفت‌ها و صناعت‌ها تعاون می‌کنند... اینجا نیز غرض از مدینه نه مسکن اهل مدینه است، بل جمعیتی مخصوص است میان اهل مدینه» (پیشین: ۱۴۰). بنابراین واژه تمدن و مدینه هم‌ردیف اجتماع قرار می‌گیرد و زندگی اجتماعی زمینه شکل‌گیری تمدن است. به بیان دیگر مفهوم شهر در جنبه اجتماعی آن و نه در کالبد و ساختار شهر است؛ همچنین آورده است: «چون نوع انسان در بقای شخصی و نوع به یکدیگر محتاجند و وصول ایشان به کمال بی‌بقا ممتنع، پس در وصول به کمال محتاج یکدیگر باشند و چون چنین بود کمال و تمام هر شخصی به دیگر اشخاص نوع او منوط بود. ... مدار کار انسان بر معاونت یکدیگر است و معاونت با تساوی صورت می‌بندد» (پیشین: ۲۵۵). در نتیجه از دیدگاه خواجه نصیرالدین نیاز انسان‌ها به خاطر همکاری کردن باعث پدیدآمدن جامعه شده و از آن مهم‌تر آنکه نیل به کمال را مطلقاً در زیست جمعی و در تعاون و همکاری با یکدیگر دانسته، چرا که هیچ‌کس در حالت فردی، توان برآوردن همه احتیاجات خود چه جسمی و چه روحی را ندارد.

خواجه نصیرالدین اجتماعات انسانی را به دو قسمت تقسیم می‌کند: یکی آنچه سبب آن از خیرات باشد و دیگر آنچه سبب آن از شرور باشد. اولی را مدینه فاضله و دومی را مدینه غیرفاضله نامیده است. وی نهایت کوشش شهروندان در مدینه فاضله را فراهم آوردن نیکی و از بین بردن بدی‌ها می‌داند (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۶: ۲۸۳-۲۸۲).

بنا بر آنچه آمد مدینه فاضله در آراء خواجه نصیرالدین با مفاهیم اجتماعی تعریف گردیده، همچنین مشارکت شهروندان در راه رسیدن به خیر را امر اصلی این اجتماع و کمال‌گرایی را صرفاً در زیست جمعی و با استمرار همکاری، معاونت، عدالت، تساوی و نیکی میسر دانسته است.

ملاصدرا (متولد ۹۸۰ ه. ق)، انسان را موجودی اجتماعی می‌داند. وی این اصل را این‌گونه بیان می‌کند: «شکی نیست که انسان نمی‌تواند به کمال مطلوب برسد مگر با تشکیل اجتماعی که در رفع نیاز با هم تعاون داشته باشند. از این روست که اجتماعات انسانی زیادی تشکیل یافته است که برخی از آنها جامعه کامل و برخی دیگر ناقص‌اند» (وحیدی برجی، ۱۳۹۴: ۷) به نقل از ملاصدرا، (۱۳۸۰). وی اجتماع جامعه انسانی و امت و یک شهر را جزو اجتماعات کامله و اجتماعات اهل قریه و محله و کوچه

و اصلی‌ترین رکن اندیشه سیاسی شیخ اشراق را تشکیل می‌دهد و از این رهگذر وی ضرورت وجود حاکم را برای زندگی جمعی بشر تبیین می‌کند و به این ترتیب تمامی امور دنیوی انسان را در رسیدن به کمال و سعادت مورد توجه قرار می‌دهد. اندیشه سهروردی در مباحث اجتماعی توجه به مباحث انسان‌شناسی و ضرورت بررسی انسان در ظرف معرفت انسان اجتماعی است. در امور سیاسی، به ضرورت دولت و حکومت در سایه حکومت متاله اشاره می‌کند. در بخش اقتصادی، سهروردی با اشاره به بحث فقیر-غنی به رفاه شهروندان و دسترسی همگان به خدمات در خانه‌های کنار هم اشاره دارد (سهروردی، ۱۳۸۰). به تعبیری به اجتماعات محله‌ای و پرهیز از تبعیض‌های طبقاتی و اشرافی توجه دارد (فقیر و غنی در الگوی خانه‌های کنار هم، زندگی اجتماعی دارند؛ یعنی شهر و اجتماعات زیستی سهروردی اشرافی و طبقاتی نیست، پس چنین خانه‌هایی از نظر کالبد و سیما نیز نباید در تضاد با هم باشند). وی در رابطه با مسائل زیست محیطی شهر، به استفاده بهینه از بستر محیط و ارتباط با ظرفیت‌های آن توجه دارد و در ساخت کالبدی شهر به وحدت و یکپارچگی، سلسله‌مراتب و زیبایی‌شناسی اشاره می‌کند (سهروردی، ۱۳۸۰).

در مجموع، سهروردی ضمن توجه به زندگی جمعی در جوامع زیستی انسان‌ها و تأکید بر اهمیت وجود حاکم متاله، عدالت، تساوی و وحدت را جزء ضروری اجتماعات انسانی از جمله مدینه و محله می‌داند. همزیستی و همسانی اجزاء زیستگاه‌های انسانی در کالبد و سیما از دیگر نشانه‌های شهر، محله و جامعه زیستی فلسفه اشراقی است.

جمع‌بندی رویکرد اندیشمندان اجتماع‌منا و آرمان‌شهر‌گرا بر محلات

اندیشمندان این دسته که رویکردی آرمان‌گرایانه بر شهر و اجتماعات زیستی دارند به دنبال ترسیم رابطه انسان با خدا، اجتماع و محیط‌اند. به طور عام در شهر آرمانی متفکران اسلامی بیشتر روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد توجه قرار گرفته و اهمیت حیات معنوی هماهنگ با خلقت به تصویر کشیده شده و به روح و معنای جامعه و رای ظاهر اجتماعات توجه شده است. اندیشمندان این دسته عموماً محله را به عنوان یک اجتماع زیستی کامل نشده از مدینه فاضله تکامل یافته برمی‌شمرند. ایشان، تعاون و مشارکت و ارتباط همه جانبه شهروندان را اصل اساسی جامعه محلی برای نیل به اهداف تعیین شده زندگی بشری یعنی سعادت می‌دانند. افزون بر این، عدالت و توزیع مناسب خدمات برای همگان، سلسله‌مراتب دسترسی و زیبایی‌شناسی وحدت‌گرا از دیگر موارد اشاره شده در آثار این اندیشمندان بوده است. در مجموع تعلقات اجتماعی، مشارکت، تعاون و احساس مسئولیت اجتماعی در عین محبت از ویژگی‌های عام جوامع زیستی مطلوب این اندیشمندان

و خانه را ناقص می‌داند. از نظر او اجتماع کامله و مدینه فاضله آن است که در آن همه افراد مدینه برای رسیدن به غایت حقیقی و خیر حقیقی تلاش کنند (ملاصدرا، ۱۳۸۰). «انسان تنها قدرت ساختن آنچه که برای یک زندگی خوب احتیاج دارد را ندارد. پس مردمان ناچارند که با هم مشارکت و کمک کنند، از این رو خداوند برای هر گروه و قومی پیشه و حرفه‌ای که با صنعت و حرفه دیگری فرق دارد مقرر کرده است» (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۵۷). همچنین در خصوص تبعیت از قانون در زندگی اجتماعی آورده است: «زندگی اجتماعی بدون قانون ممکن نیست. در تخصیصات و تقسیمات قانون لازم است تا انسان‌ها در منازعه و مقابله نیفتند و طبق آن قانون به عدل حکم نمایند، و الا جمع فاسد و نظام مختل می‌گردد» (وحیدی برجی، ۱۳۹۴: ۸ به نقل از ملاصدرا، ۱۳۸۰). ملاصدرا متأثر از تفکرات فارابی، جامعه را مانند بدن انسان می‌داند. همان‌گونه که هر عضو برای کار خاصی است و اعضای بدن در یک درجه از اهمیت قرار ندارند، اعضای جامعه نیز هر یک برای کاری ساخته شده‌اند و اهمیتشان یک سطح نیست. در نتیجه، جامعه سالم جامعه‌ای است که در آن هر کسی مانند اعضای بدن، کار خود را انجام دهد در حالی که رهبری شایسته بر آن حکومت دارد (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸ و ۹).

با آنچه آمد مدینه فاضله ملاصدرا جایی است که همه افراد مدینه برای رسیدن به غایت و خیر حقیقی تلاش می‌کنند. او کمال انسان را در زندگی اجتماعی و تعاون با یکدیگر میسر و زیبایی و هنر را حاصل تعاون اجتماع می‌داند. گر چه ملاصدرا به علت عدم کفایت اجتماعات شکل گرفته در محله، آن را دارای نقصان می‌داند اما مشارکت، تعاون و قانون را لازمه تمامی جوامع زیستی و کمال را هدف غایی اجتماعات دانسته است.

سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ ه.ق) و فلسفه اشراق اجتماع انسان‌ها را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌داند و از این رهگذر داناترین فرد اجتماع را برای رهبری آن در نظر می‌گیرد. پدیده مدنی در نظر سهروردی عبارت از زندگی جمعی و حیات مدنی انسان‌هاست. وی به ضرورت نیاز بشر به حکمت مدنی اشاره می‌کند. دولت یا به تعبیر خود او حکومت حکیم متاله (کسی که الهیات می‌داند، زاهد)، مطلوب نهایی است. وی از دولت با عنوان مهم‌ترین پدیده سیاسی در جامعه انسانی یاد می‌کند و ضرورت و ماهیت و جایگاه آن را مشخص می‌سازد (سهروردی، ۱۳۷۷: ۲۰-۱۸). در اندیشه سهروردی، امور ارادی و اختیاری همچون تهذیب نفس و تدبیر منزل و تدبیر مدن بر محور حد وسط استوار است و در نتیجه حکیم متاله در اندیشه سهروردی عهده‌دار برقراری عدالت، تساوی و وحدت در امور نامتناسب و نامساوی است (اسفندیار، ۱۳۹۲: ۱۲۹). با آنچه آمد حکمت مدنی‌ای که سهروردی از آن سخن می‌گوید علم به تمامی حقایق و پدیده‌های سیاسی ضمنی در جامعه انسانی است. زندگی جمعی انسان، نخستین

سکونت در حوزه‌های مختلفی از دانش، مفهوم پردازی شده است و اندیشمندان مختلف ایرانی و غیرایرانی با رویکردهای متفاوت به این مفهوم پرداخته‌اند. در حوزه فلسفه در میان اندیشمندان غیرایرانی، هایدگر و سایر اندیشمندان متأثر از وی از جمله شولتز، متیس استوک، کریستوفر الکساندر و ... از جمله نظریه‌پردازانی هستند که با رویکرد پدیدارشناسی مکان به معنای سکونت پرداخته‌اند. پدیدارشناسی، رویکردی برای تدقیق در احوال مردم و دنیای آنهاست و برای اشیاء، موضوع و ماهیتی بیش از سطح ظاهری‌شان قائل است. از این منظر، مکان نیز چیزی بیشتر از یک مجموعه مفرد از عناصر است. این اندیشمندان بحث «فضائیت وجود انسان» و «سکونت» را مطرح کرده و معتقدند که ما نمی‌توانیم به انسان‌ها فکر کنیم بدون اینکه آنها را به عنوان موضوعاتی که در جهان جای گرفته‌اند در نظر بگیریم (کرننگ، ۱۳۸۳: ۱۵۴). هایدگر مفهوم سکونت و مسکن را با ساختن و تفکر و با مجموعه فعالیت‌های انسان و در آرامش قرار یافتن او در کنار هم قرار داده است (Heidegger, 1971: 348-349 و هایدگر، ۱۳۸۹: ۹) از منظر شولتز سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است که این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی حس تعلق داشتن، ناشی گردیده است (شولتز، ۱۳۸۱: ۲۶). متیس استوک پیشنهاد می‌دهد که به‌جای نگرش «در فضا بودن» از مفهوم «ارتباط و تعامل با فضا» استفاده شود (دودانگه، ۱۳۹۶). کریستوفر الکساندر هویت هر مکان را حاصل تکرار پی‌درپی الگوهای ویژه از رویدادها در آن مکان می‌داند. در نظر او الگوی رویدادها لزوماً انسانی نیستند؛ هر آمیزه‌ای از رویدادها که پیوندی با سکونت ما داشته باشد، بر سکونت ما تاثیر می‌گذارد. وی الگوهای مذکور را وابسته به فرهنگ و خصوصیات شخصیتی افراد می‌داند (الکساندر، ۱۳۸۱: ۴۷).

پژوهشگران ایرانی نیز در خصوص مفهوم سکونت نظراتی را ارائه داده‌اند، در حالی که عموماً برگرفته از آراء و اندیشه پدیدارشناسی چون هایدگر است. بر این اساس همه انسان‌ها با هر نوع تلقی و با وجود اختلاف مراتب و روش، در پی سکونت و آرامش راستین‌اند. از آنجا که خاستگاه سکونت، اساساً مقوله‌ای درونی و متعلق به نفس یا ذهن انسانی است، تنها محیطی از جنس و متناسب با آن می‌تواند زمینه بیرونی سکونت را فراهم کند (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۸). از منظر عرفان اسلامی مکان سکونت انسان، مکانی است که جسم انسان را در خود جای می‌دهد؛ یعنی ظرفی که درون آن گوهری به نام انسان جای می‌گیرد. این فضا با عالم کیهان پیوند می‌خورد و دو عالم کبیر و صغیر در آنجا به یکدیگر متصل می‌شوند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۵۱). به تعبیر شریعتی، انسان دینی و سنتی یک شدن است و نه یک بودن. این انسان فناشونده نیست، بلکه در حال شدن و تکامل است و تنها در روز رستاخیز است که به بودن می‌رسد و قابل تعریف می‌گردد (شریعتی، ۱۳۵۹: ۹۳).

است که با رویکردهای مشابه یا متفاوت به تبیین آنها پرداخته‌اند. همچنین فارابی به عدالت و آموزش جمعی (آموزش شهروندی) به عنوان ویژگی اساسی اجتماعات اشاره کرده؛ ابن‌خلدون، روابط و تعلقات اجتماعی و احساس مسئولیت جمعی را جزء لاینفک اجتماعاتی چون محله برشمرد؛ خواجه‌نصیرالدین طوسی ضمن تاکید بر عدالت و تساوی، شاخصه‌های نیکویی و معاونت را برای اجتماعات از جمله محله ضروری دانسته و ملاصدرا علاوه بر موارد فوق بر نقش عدالت و قانون در زندگی اجتماعی تاکید کرده است. در نهایت شیخ اشراق، سهروردی در تبیین اندیشه‌های خود، بر زندگی جمعی در میان انسان‌ها و اهمیت حاکمیت متاله، عدالت، تساوی و وحدت در شهر و محله اشاره کرده و از این رو همسانی کالبد و سیمای زیستگاه‌های انسانی از جمله فقرا و اغنیاء را از نشانه‌های شهر، محله و جامعه مطلوب خود دانسته است.

انديشمند	صفات و ویژگی‌های جاری در محله از دیدگاه متفکران و آرمان‌شهرگرایان شهر اسلامی
فارابی	روابط اجتماعی، عدالت، تعاون و همکاری، محبت و دگردوستی، مشارکت، آموزش، سعادت جمعی، ارزش‌های فردی و اجتماعی
ابن‌خلدون	مشارکت، تعلقات اجتماعی، روابط و همبستگی اجتماعی، حس مسئولیت، حس تعلق، اجتماع‌پذیری، تعاون، یاری، احسان
خواجه‌نصیرالدین	زندگی اجتماعی، تعاون و همکاری، نیکویی، عدالت، امر خیر
ملاصدرا	زندگی و روابط اجتماعی، مشارکت، تعاون، قانون، امور خیر، سلسله‌مراتب
سهروردی	زندگی جمعی، همزیستی، عدالت، تساوی، وحدت، سلسله‌مراتب، معرفت انسانی

بازنمایی مفهوم سکونت در محله

پس از پذیرش مفهوم محله به مثابه مکان حاوی معنا و ارائه دسته‌بندی از تعاریف محله و ضمن بررسی و تحلیل مفهوم محله در مدینه فاضله اندیشمندان و متفکران اسلامی که مورد نظر این پژوهش است، در این قسمت برای تکمیل چارچوب نظری و دستیابی به گزاره کلیدی و نهایی پژوهش یعنی «محله به مثابه مکانی برای سکونت» مختصری به مفهوم «سکونت» پرداخته خواهد شد و در نتیجه تدقیق و تطبیق این سه مفهوم یعنی محله، سکونت و مکان و برگرفته از آراء اندیشمندان و آرمان‌شهرگرایان اسلامی، محله را به مثابه مکانی برای سکونت دانسته‌ایم و در انتها عوامل موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان برگرفته از دیدگاه متفکران فوق ارائه خواهد شد.

مفهوم عام سکونت

«سکونت» از ریشه «سکن» به معنی «آرام و قرار» است. این واژه در لغت‌نامه دهخدا به معنای «اقامت»، «آرامش» و «سکون» و در فرهنگ معین به معنای «اقامت کردن»، «ماندن» و «آرامش» است.

را با معنا و جذاب می‌سازد؛ حال آنکه بسیاری از خاطرات ما در فضایی مابین خانه و شهر شکل گرفته است (فولادی دهقی، ۱۳۹۱). سکنی‌گزینی به منزله «خصلت اصلی بودن» بیانگر اشتیاق انسان به تعلق به محیط است؛ اینکه در یک مکان، راحتی و الفت را حس کنیم (کشفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳). با آنچه آمد مفهوم سکونت در محله به عنوان یک عرصه اجتماعی معنادار اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. به تعبیر دیگر، محله، مکانی به مثابه مسکون انسان و مامن آرامش او و نه فضای صرف اسکان اوست. مکانی که از پیوند معنادار بین محیط و انسان و رفتارهای فردی و اجتماعی او پدید آمده و در گذر زمان، اصالت و حس تعلق را برای ساکنانش به همراه دارد.

مفهوم‌شناسی محله به مثابه «مکانی برای سکونت»

همان‌طور که پیش‌تر آمد محله به مثابه مکانی حاوی معنا تعریف و تبیین می‌گردد. از طرف دیگر سکونت، پیوند معنادار بین انسان و مکان و به مفهوم قرار و آرامش یافتن انسان و تجلی‌بخش هویت اوست. پس از تدقیق و تطبیق سه مفهوم محله، سکونت و مکان با بسط و ترکیب و تکمیل گزاره‌هایی که در بندهای پیشین بدان‌ها اشاره شد، شایسته است که محله را مکانی برای سکونت بدانیم.

محله پس از خانه مهم‌ترین قرارگاه سکونتی و اجتماعی انسان و طرفی است که بخشی از سکونت مطروف خود یعنی انسان را در خود جای داده است. از طرفی محله مفهومی است واجد ویژگی‌های عینی و ذهنی که به عنوان یک نهاد اجتماعی و پدیده ادراکی علاوه بر ظهور کالبدی و فضایی، مکانی معنادار است. به تعبیر شولتز پرداختن به مفهوم محله لزوماً توجه هم‌زمان به وجوه عینی و ذهنی و حسی مفهوم محله به مثابه مکان را می‌طلبد (وحدت سوژه و ابژه در زندگی) (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸: ۷). در نظر او غایت سکنی‌گزیدن انسان روی زمین در مفهوم خانه شکل می‌گیرد. او همچنین برای خانه یک مضمون اجتماعی قائل است: خانه‌ها همانند اعضای خانواده به یکدیگر تعلق می‌یابند و شهر را شکل می‌دهند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷: ۱۹)؛ یعنی به واسطه این ارتباط و تعلق، خانواده‌ها نسبت به محله مسکونی همان احساس خانه مسکونی را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه احساس می‌کنند (شکویی، ۱۳۶۹: ۴۹). بدین اعتبار، محله مکانی است برای سکونت؛ به عبارت دیگر پرداختن به محله، توجه هم‌زمان به وجوه عینی و ذهنی و حسی را می‌طلبد و از طرف دیگر محله در قلمروی شناخته شده ساکنان همراه با احساس تعلق به گروه معین تعریف می‌گردد و در نتیجه هویتی اجتماعی مکانی دارد که متأثر از ساکنان و مؤثر بر آنهاست.

لذا مکان سکونت نه به معنای جایی برای ماندن و بودن، بلکه مکانی برای شدن است. در نتیجه مکان سکونت به شدن انسان و هویت یافتن او کمک می‌کند. آرامش هم به مفهوم رسیدن به آرامش قلبی و قلب مطمئن است (لِتَطْمَئِنَ قُلُوبُهُمْ؛ آل عمران، آیه ۱۲۶)؛ یعنی انسانی که قلب مطمئن دارد می‌تواند به آرامش برسد و هدف نهایی انسان، رسیدن به کمال الهی است. از این رو مکان سکونت در تفکر اسلامی یک حقیقت وجودی همسو با نیل به کمال مطلق الهی است. به تعبیری مکان سکونت انسان باید مظهر صفات و اسماء الهی باشد (عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛ بقره، آیه ۳۱). در نتیجه مفاهیم برگرفته از مظاهر الهی از جمله عدالت، زیبایی، وحدت و ... باید در مکان سکونت انسان متجلی گردد. بدین سبب مکان سکونت انسان، تبلور زمینی روح الهی و پاسخگوی نیازهای معنوی اوست. البته چنین مکانی برای سکونت انسان به تبع زمینی و خاکی بودنش و در حالی که هدف دستیابی به نیازهای معنوی وی است، برآورده‌کننده توأمان نیازهای مادی و نفسانی انسان است. از این رو مکان سکونت در تفکر اسلامی، تجلی‌گاه زیبایی‌ظاهر و باطن در کنار یکدیگر است. به عبارت دیگر مکان سکونت در اندیشه اسلامی، مکانی است که در زندگی انسان مسلمان نهادینه شده و رسیدن به کمال الهی را سبب می‌شود. یعنی سکونت در تفکر اسلامی مکانی مبتنی بر معانی والای زندگی اسلامی است و ماوراء کالبد و شکل تعریف می‌گردد. مکانی که در جریان تکوینی جهان، سیر تکامل انسان به کمال مطلوب را رهنمون می‌سازد.

بدین اعتبار در اسلام و قرآن تأکید ویژه‌ای بر اهمیت و جایگاه مفهوم سکونت و اهداف مادی و معنوی آن شده است و کالبد مادی مسکن همچون ظرفی برای زندگی اسلامی و مفاهیم والای خلقت برشمرده می‌شود. مسکن اسلامی جایی است که آرامش معنوی را در خود می‌پروراند و به واسطه آن موجبات تطیف و معنویت فضای زندگی و بستر پاسخگویی به نیازهای روحی انسان چون تفکر، عبادت و آرامش را فراهم می‌سازد. در شهر اسلامی، هدف تأمین آرامش و تعالی روح و وجود آدمی است. البته این آزادی شأن و تعریفی خاص دارد. این بدان معناست که مسکن اسلامی ویژگی‌هایی دارد که پاسخگوی جمیع نیازهای روحی روانی و جسمی و مادی انسان‌هاست (محمودی مهمان‌دوست، ۱۳۹۴: ۱۰۲). با توجه به تعاریف، سکونت به مفهوم به آرامش رسیدن انسان است. در واقع مکانی که در آن احساس آرامش برای انسان پدید آید را باید مکان سکونت نامید.

مفهوم سکونت در محله

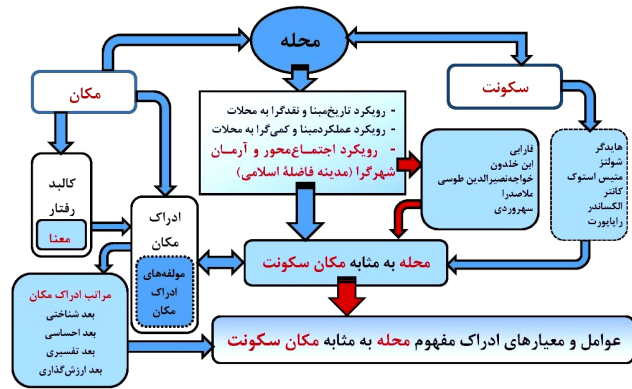
ما برای نیل به مفهوم سکونت نه تنها نیازمند مسکنیم، بلکه به فضاهای پیرامونی و خارج از آن برای برطرف کردن نیازهای خود وابسته‌ایم. سکونت خارج از مسکن دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از فعالیت‌هاست که فضاهای همگانی محلات و مناطق مسکونی

تعاملات اجتماعی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های جمعی در کنار تصور ذهنی از تعاملات اجتماعی ساکنان محله می‌تواند در ادراک از محله نقش ویژه‌ای داشته باشد. این مشخصه از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که آرمان‌شهرگرایان اسلامی بارها بدان اشاره کرده‌اند. تعاون، مشارکت و رفتارهای اجتماعی از اصول اولیه شکل‌گیری اجتماعات در مدینه فاضله است که جمله متفکران این دسته چون فارابی، ملاصدرا و ابن‌خلدون بر این اصل نظر داشته‌اند.

۲- کیفیت حس تعلق به محله: آلتمن و لو^۹ «تعلقات مکانی» را به عنوان بخشی از عوامل ادراک مکان مطرح نمودند. تعلق مکانی زمانی شکل می‌گیرد که ما احساساتمان^{۱۰} را به سوی مکان‌هایی که به لحاظ ادراکی برای ما آشنا هستند گسترش دهیم (Altman & Low, 1992). حس تعلق محله‌ای عبارت است از نوعی حس یکپارچگی با سایر اعضای اجتماع که مفهوم ذهنی محله بر آن بنا شده است (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸)؛ بر پایه نظریات متفکران آرمان‌شهر اسلامی به خصوص فارابی و ابن‌خلدون، تعلق خاطر به مکان سکونت از ویژگی‌های مهم ادراک مفهوم محله است. بررسی تاریخی محلات ایرانی نیز مبین نمود چنین ویژگی مشهودی با مظاهر مختلفی است تا جایی که حتی ساکنان با نام آن محله شناسایی می‌شده‌اند.^{۱۱}

۳- قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم: قلمرو و سلسله‌مراتب از جمله معیارهایی است که به واسطه عناصر کالبدی و یا ادراکات ذهنی ساکنان از محدوده سکونت نمود یافته و تعریف می‌گردد و در نتیجه در ادراک ساکنان از مفهوم محله تاثیرگذار است. در اندیشه اسلامی حریم در مسکن به عنوان محل آرامش افراد، جایگاه ویژه‌ای دارد. حجب و پوشیدگی خانه مسلمانان، از ویژگی‌های شهر اسلامی است که در نقاط مختلف دنیا بر اساس فرهنگ، رسوم محلی، مصالح و ابزار موجود به شیوه‌های گوناگون رخ می‌نماید (Dudley, 1988: 83). به تعبیری حریم در محلات، سلسله‌مراتب در دسترسی از مراکز محلی، مرز محلات تا کوی و خانه‌هاست. این اصل به طور آشکار و یا ضمنی در توصیف مدینه فاضله متفکران اسلامی به چشم می‌خورد. همان‌طور که سهروردی نیز سلسله‌مراتب را امری مهم برای مدینه فاضله معرفی کرده است. در خوانشی دیگر، بزرگان مکتب اصفهان در تبیین آرمان‌شهر محقق خود یعنی اصفهان عصر صفوی متکی بر آراء اندیشمندان متقدم اسلامی از این ویژگی به دفعات یاد کرده‌اند.

۴- ارزش‌های فردی و اجتماعی در محله: به عقیده ادوارد رلف، ارزش‌های فردی و جمعی یکی از مولفه‌های موثر بر ادراک مکان محسوب می‌گردند. (رلف، ۱۳۸۹) برگرفته از پژوهش‌ها، ارزش‌های بیان شده توسط ساکنان در بعد اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. نتایج مطالعات بیانگر این مطلب‌اند که در نظر ساکنان محله، ارزش‌های موجود در یک محله عبارت‌اند از: قدمت، منحصر به



مدل مفهومی پژوهش

نتایج و یافته‌ها

پس از پرداختن به تعاریف مکان و مفاهیم ادراک مکان از منظر مکان‌شناسان معناگرا، همین‌طور تبیین مفهوم سکونت و جایگاه آن در زیست محله در نگرش پدیدارشناسان و با عنایت به بسط مفهوم مکانیت محله و سکونت در آن، به عوامل و مولفه‌های ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت خواهیم پرداخت. در نیل به این هدف ملاک و تعریف این پژوهش از محله وابسته به رویکرد اندیشمندان و متفکران آرمان‌شهر اسلامی است؛ چرا که با توجه به تحلیل‌های پیشین، در این نگرش علاوه بر پذیرش کالبدی شهر و محله، به مولفه رفتار اجتماعی و معنا به عنوان عامل تعالی‌بخش فضا به مکان توجه ویژه‌ای شده؛ همین‌طور مفاهیم معنایی سکونت و تبلور ارزش‌ها و عقاید انسان و در مجموع فرهنگ در آراء این دسته از فلاسفه و عرفا بسیار مشهود و پررنگ‌تر است.

عوامل و مولفه‌های موثر بر ادراک محله به مثابه مکان سکونت

همان‌طور که آمد عوامل و فاکتورهای متنوعی در ادراک مخاطب از مکان نقش دارد که عموم آنها زیرمجموعه سه مولفه ساختار کالبدی و فیزیکی، رفتارها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و در نهایت معانی مستتر در مکان است. این عوامل ضمن تاثیر و تاثیر بر یکدیگر بر ادراک ساکنان از محله موثرند. در این بند به تدقیق و استخراج عوامل موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت با توجه به مبانی نظری مکان‌شناسان معناگرا و پدیدارشناسان مفهوم سکونت و بر پایه آراء آرمان‌شهرگرایان اسلامی خواهیم پرداخت.

۱- تعاون، مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی: سطح ادراک فرد از مکان با مشارکت وی در فعالیت‌های مرتبط با مکان مرتبط است (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۵ به نقل از shamai, 1991). مکان‌ها ظرف و بستری ارتباطات اجتماعی و فرهنگی قلمداد شده‌اند، تا آنجا که برخی مطالعات، ادراک مکان را بیشتر به آن ارتباط‌ها منتسب کرده‌اند تا به ماهیت فیزیکی مکان (مظلومی، ۱۳۸۹: ۱۴۵ به نقل از Altman & Low, 1992). در نتیجه تمایل به

از جمله عدالت، آموزش، رفاه اجتماعی و ... در مقابل عناصر شناخته شده‌ای چون مسجد، مکتب، مدرسه و بازارچه در محلات نشان از اهمیت وجود خدمات در محلات دارد، حتی آنجا که از تعاون و همیاری سخن گفته‌اند بخشی از نگرش آنها در همیاری و مشارکت با هدف تامین بهتر نیازها و ارضاء خواست‌های فردی و اجتماعی مورد نظر بوده است؛ به خصوص در جایی که ابن خلدون سخن از تحول بادیه‌نشینی به شهرنشینی و یا استحاله ده به شهر را مطرح می‌کند، آنجا که فارابی از عدالت، آموزش و منافع اجتماعی سخن گفته، در کمال گرایسی و رفاه اجتماعی مطلوب خواجه نصیرالدین یا آنجا که ملاصدرا به تنوع صنعت و حرفه اشاره می‌کند و زمانی که سهروردی در بحث فقیر و غنی به خدمات و رفاه همگانی تذکر می‌دهد، همگی اهمیت تامین رفاه و خدمات و رضایت‌مندی ساکنان از جامعه زیستی مطلوب و آرمانی را در نظر داشته‌اند.

بدین ترتیب شش عامل ذکر شده به عنوان مولفه‌های اصلی مؤثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکانی برای سکونت انسان از پیامد بررسی و تحلیل مفاهیم مکان و سکونت و رویکرد معناگرایانه متفکران اسلامی بر سکونت انسان در مدینه فاضله استخراج و تبیین گردیده است که البته این عوامل خود در ارتباط با یکدیگر و مکمل هم‌اند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین و تحلیل مولفه‌های ادراک مفهوم محله از دیدگاه متفکران آرمان‌شهر اسلامی نگاشته شده است. مراد از محله، نهادی اجتماعی است که علاوه بر کالبد و رفتار، دارای معناست و در نتیجه نه فقط مسکون ساکنان بلکه مکانی برای سکونت آنهاست. مکانی برای نمود مفاهیم متعالی و معانی والای سکونت و تجلی‌گاه ارزش‌های فردی و اجتماعی زندگی اسلامی. از این رو در این پژوهش ابتدا مفهوم مکان و نحوه ادراک آن بررسی و محله به منزله مکانی معنادار معرفی شده؛ سپس ضمن دسته‌بندی مفاهیم مختلف از محله، رویکرد متفکران مدینه فاضله اسلامی به عنوان دیدگاه مطلوب پژوهش معرفی شده است. پس از آن مفهوم عام سکونت و سکونت در محله بررسی و ارائه گردیده است. از نتیجه هم‌افزایی مطالعات نظری صورت گرفته، حقیقتی تحت عنوان «محله به مثابه مکانی برای سکونت» حاصل شده و در نهایت، به ارائه مولفه‌های ادراک مفهوم محله برگرفته از نگرش اندیشمندانی چون فارابی، ابن خلدون، خواجه نصیرالدین، ملاصدرا و سهروردی پرداخته شده است. نتیجه اینکه بر اساس رویکرد اجتماع‌محور آرمان‌شهرگرایان اسلامی، ادراک ساکنان از مفهوم سکونت و به تبع آن شکل‌گیری مفهوم محله را می‌توان تابع این معیارها دانست: ارتباط و مشارکت اجتماعی میان ساکنان؛ کیفیت حس تعلق به محله؛ قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم در محله؛

فرد بودن، زیبایی، هماهنگی و وحدت که به عنوان مؤلفه‌های ارزش تاریخی مطرح شده‌اند و شخصیت و هویت، سرمایه اجتماعی و خاطرات جمعی که به عنوان مؤلفه‌های ارزش فرهنگی مورد نظر بوده‌اند (پورسراجیان، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۸). بررسی نظامات پیشنهادی عرفا از مدینه فاضله بیانگر این است که با تعابیر مختلفی از اهمیت ارزش‌های فردی و اجتماعی در جامعه آرمانی یاد شده است. از نظر این متفکران هر آنچه که در نیل به سعادت و یا کمال و یا در تعابیری امور خیر به کار آید، تحت عنوان ارزش‌های جامعه برشمرده شده که از آن به «فضیلت» یاد کرده‌اند که البته با توجه با ماهیت اجتماعی آراء متفکران مدینه فاضله، طبیعی است که بسیاری از این فضایل، ماهیتی اجتماعی دارند؛ عدالت، سخاوت، احسان، دوستی، تعاون و... همه از فضایی است که اساساً در زندگی و مناسبات اجتماعی فرصت بروز و ظهور می‌یابند.

۵- عناصر کالبدی شاخص و نمادین محله: محققان بسیاری بر نقش عناصر کالبدی به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری ادراک از مکان تاکید داشته‌اند. تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و ادراک مکان محسوب می‌گردد. رایجر و لاوراکس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی کالبد اشاره کرده که بر این اساس، فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنا، به خاطر می‌سپارد. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸ به نقل از Lavrakas & Riger, 1981). پروشانسکی ۱۲ با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط از آن به عنوان بخشی از هویت مکانی یاد می‌کند. محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و شناخت و ادراک بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد (مطلبی و جوان فروزنده، ۱۳۹۰: ۳۲). در آراء اندیشمندان آرمان‌شهر، انسان جانشین خدا بر زمین و دارای باطن خدایی است؛ لذا ظرف و محیط زندگی خاکی او نیز باید کالبدی متناسب با ماهیت الهی اش داشته باشد. از این رو فارابی، ابن خلدون و سهروردی به توصیف شهر آرمانی و ویژگی‌های کالبدی و جغرافیایی و ابنیه شاخص آن اشاراتی کرده‌اند.

۶- تامین رفاه و خدمات محلی و رضایت‌مندی از محله: در مطالعه‌ای که لنسینگ و مارانز ۱۹۶۹ صورت دادند، رفاه و رضایت‌مندی به عنوان یکی از معیارهای اصلی سنجش کیفیت ادراک مکان مطرح گردید؛ بر این اساس «مکان با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایت‌مندی را به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا سمبلیک باشد، به جمعیتش منتقل می‌کند» (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵ به نقل از Lansing & Marans, 1969: 195-199). پس از پذیرش نقش رفاه و خدمات و پیامد آن رضایت‌مندی در ادراک مطلوب‌تر مکان، باید به نقش این مولفه در تبیین شهر آرمانی متفکران اسلامی اشاره نمود. بسیاری از صفات و شاخصه‌های مدینه فاضله

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۵)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، نشر جمهوری، تهران.
۲. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰)، **حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایران**. ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، تهران.
۳. اسفندیار، رجب‌علی (۱۳۹۲)، «اندیشه سیاسی شیخ شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷)»، **فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه**، شماره ۳، صفحه ۱۳۸-۱۲۱، بهار.
۴. اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، **نامه علوم اجتماعی**، دوره ۱، شماره ۴، صفحه ۴۹-۷.
۵. افشارزادری، کامران (۱۳۷۸)، «از کاربری تا مکان». **نشریه معماری**، شماره ۶، صفحه ۱۰-۴، پاییز.
۶. باستانی‌راد، حسن (۱۳۹۱)، «کوی (محل) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی». **نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، شماره ۱۰، صفحه ۳۰-۱، بهار و تابستان.
۷. براتی، ناصر و سلیمان‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۰)، «ادراک محرک‌ها در محیط کنترل شده و تأثیر جنسیت بر آن»، **فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر**، شماره ۱۷، صفحه ۳۰-۱۹، تابستان.
۸. پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۶)، «محل». **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، دوره ۲، شماره ۴، زمستان.
۹. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، تهران.
۱۰. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، جلد سوم (از فضا تا مکان)، انتشارات شهیدی، تهران.
۱۱. پرتوی، پروین (۱۳۸۷)، **پدیدارشناسی مکان**، فرهنگستان هنر، تهران.
۱۲. پورسراجیان، محمود (۱۳۹۴)، «ارزش‌های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان»، **فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر**، شماره ۳۵، صفحه ۵۲-۳۹، مهر و آبان.
۱۳. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۱)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ اول، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۴. نقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام (۱۳۹۱)، **مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران (با تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین)**، چاپ اول، سخن گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد.
۱۵. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، **نظریه عدالت از دیدگاه فارابی**، امام‌خیمینی و شهیدصدر، پژوهشکده امام‌خیمینی و انقلاب اسلامی، تهران.
۱۶. حبیبی، سید محسن و مسائلی، صدیقه (۱۳۷۸)، **سرانه کاربری‌های شهری**، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
۱۷. حیدری، علی‌اکبر و مطلبی، قاسم و نگین تاجی، فروغ (۱۳۹۳)، «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی»، **نشریه هنرهای زیبا**، دوره ۱۹، شماره ۳، صفحه ۸۶-۷۵، پاییز.
۱۸. خوش‌رو، غلام‌علی (۱۳۸۳)، **شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون**. نشر اطلاعات، تهران.
۱۹. دودانگه، زهره (۱۳۹۶). انسان‌شناسی و فرهنگ. ۲۹ مهر: <https://anthropologyandculture.com>
۲۰. رحیمی، لیلا و کرمی، اسلام (۱۳۹۸)، «ارزیابی عوامل مؤثر بر ادراک ساکنان از کیفیت‌های محیطی محله (مطالعه موردی: کوی گلشهر و پرواز تبریز)»، **فصلنامه مطالعات شهری**، دوره ۸، شماره ۳۰، صفحه ۴۰-۲۹، بهار.

ارزش‌های فردی و اجتماعی میان ساکنان؛ عناصر کالبدی شاخص و نمادین محله؛ و تامین رفاه و خدمات و کیفیت رضایت‌مندی از محله. به عبارت دیگر محله آرمانی در چنین تفکری، محله‌ای است که تعامل و تعاون جزء اصلی رفتارهای اجتماعی ساکنان باشد در حالی که ارزش‌های اجتماعی و فردی به صورت پیوسته در سکونت آنان جاری است و ساکنان از رفاه و رضایت-مندی مادی و روانی مطلوب برخوردارند. چنین محله‌ای با ادراک ساکنانش از محله پیوندی معنادار یافته و مظهر تعلقات مکانی آنهاست. مکانی که در تار و پود بافت و نحوه ساخت خود و در ادراکات ذهنی ساکنان، قلمرو و سلسله‌مراتبی از دسترسی‌ها و حرایم دارد و ظرف و محیط زندگی در آن متناسب با ماهیت الهی ساکنان و به تبع خلیفه‌اللهی انسان شکل گرفته است. در چنین مکانی ابنیه و عناصر کالبدی حاوی مفاهیم و نمادهای زندگی آرمانی اسلامی و تصویرساز مفهوم محله در ذهن ساکنان محله‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Image (Subjective Image)
۲. طرح‌واره (Schema) بر اساس میزان برخورد با پدیده و اطلاعات کسب شده از آن و تکمیل این اطلاعات توسط آنچه در ذهن ما موجود است، تشکیل می‌شود. در نتیجه طرح‌واره‌ها بخشی از اطلاعات دریافت شده و ادراک شده هستند که در مغز انسان جای گرفته و ماندگار می‌شوند (نقه‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).
۳. Michael Trieb
۴. Aldo van Eyck
۵. پس از انقلاب صنعتی در غرب و در اوایل قرن ۲۰ میلادی، کلارنس آرتور پری، محله را به مثابه یک مفهوم برنامه‌ریزی شده در عرصه شهرسازی وارد نمود. بر این اساس، واحد همسایگی محدوده‌ای است که ساکنانش خدمات اجتماعی معینی مانند دبستان را به صورت مشترک استفاده می‌کنند.
۶. Utopia
۷. عصبیت یا همان روح جماعت یا همبستگی اجتماعی، از مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده توسط اِبْنِ خَلْدُون در کتاب مقدمه به شمار می‌رود. این کلمه از ریشه «ع-ص-ب» به معنای پیوند دادن فرد به گروه مشتق شده است (نقی‌زاده و محتشم امیری، ۱۳۹۴: ۶۹).
8. Altman & Low
9. Place Attachment
۱۰. در این خصوص اصطلاح حس مکان (Sense of Place) مطرح می‌گردد. حس مکان یک پیوند پویاست که فرد در نتیجه دل‌بستگی به مکان، هوشیاری نسبت به مکان، تعلق به مکان، رضایت از مکان و تعهد به مکان، آن را توسعه می‌دهد (Kaltenborn, 1998: 347). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه می‌گردد (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۷).
۱۱. مانند پسوند شهر یا محله سکونت در نامگذاری افراد همچون، حیدری‌ها، نعمتی‌ها، پشت مسجدی‌ها، عودلجانی‌ها، نظام‌آبادی‌ها و ...

۳۹. کرنگ، مارک (۱۳۸۳)، **جغرافیای فرهنگی**، ترجمه مهدی قرخلو، انتشارات سمت، تهران.
۴۰. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، **معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن**، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴۱. کلاتسری خلیل آباد، حسین و ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۱). «تفاوت الگوی شهرسازی در میزان محله‌گرایی نواحی فرهنگی و جغرافیایی مشابه (مطالعه تطبیقی شهرهای اردکان و میبد)»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۷، صفحه ۵۲-۳۹، بهار.
۴۲. لاکوست، آیسو (۱۳۸۶)، **جهان‌بینی ابن‌خلدون**، ترجمه مهدی مظفری، دانشگاه تهران، تهران.
۴۳. لینچ، کوین (۱۳۷۴)، **سیمای شهر**، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، تهران.
۴۴. محمودی مهماندوست، مرتضی (۱۳۹۴)، «معنا در مسکن؛ بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز»، **نشریه علمی پژوهشی اندیشه معماری**، شماره ۲، صفحه ۱۱۲-۹۸، پاییز و زمستان.
۴۵. محمودی، سمیرا، احمدی، بهمن، محمدی، نازنین، رحمانی، مهرداد و برنافر، مهدی (۱۳۹۷)، «چستی آرمان‌شهر شیعی در آرای ملاحظه‌ها و آیت‌الله جوادی آملی»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۳۲، صفحه ۱۶-۵، تابستان.
۴۶. مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، **طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی**، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران، تهران.
۴۷. مطلبی، قاسم و جوان فروزنده، علی (۱۳۹۰)، «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، **مجله هویت شهر**، دوره ۵، شماره ۸، صفحه ۳۷-۲۷، بهار و تابستان.
۴۸. مظلومی، مازیار (۱۳۸۹)، «تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری»، **مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، شماره ۳، صفحه ۱۵۰-۱۳۱، زمستان.
۴۹. مک‌اندرو، فرانسیس تی (۱۳۸۷)، **روان‌شناسی محیطی**، ترجمه غلام‌رضا محمودی، زریاف اصل، تهران.
۵۰. ملاصدرا (۱۳۶۳)، **اسرارالایات و انوارالبینات**، ترجمه محمد خواجه‌جو، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۵۱. ملاصدرا (۱۳۸۰)، **المبدأ و المعاد**، ترجمه و تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، بوستان کتاب، قم.
۵۲. میرغلامی، مرتضی و آیشم، معصومه (۱۳۹۵)، «مدل مفهومی ارزیابی حس مکان بر اساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی (مطالعه موردی: خیابان امام ارومیه)»، **فصلنامه مطالعات شهری**، دوره ۵، شماره ۱۹، صفحه ۸۰-۶۹، تابستان.
۵۳. نادری، احمد، شیرعلی، ابراهیم و قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۳)، «بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی» (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد)، **نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۳: ۲۰-۷، تابستان.
۵۴. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۵۶)، **اخلاق ناصری**، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، نشر همراه، تهران.
۵۵. نفیسی، محمود (۱۳۶۸)، **سیری در اندیشه‌های اجتماعی مسلمین**، فارابی، ابن‌سینا، اخوان‌الصفاء، مسعودی، بیرونی، ابن‌خلدون. نشر امیری، تهران.
۵۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۶)، «مسجد، کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی»، **مجموعه مقالات همایش معماری مسجد**، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.
۵۷. نقی‌زاده، محمد و محتشم امیری، سعیده (۱۳۹۴)، «عصبیت؛ مؤلفه‌ای اصلی در ایجاد حس تعلق و مطلوبیت فضای زیستی از دیدگاه
۲۱. رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی و عسگری‌زاده، زهرا (۱۳۸۸)، «سنجش میزان رضایت‌مندی سکونت ساکنان محله نواب»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۶۷، صفحه ۶۸-۵۳، بهار.
۲۲. زلف، ادوارد (۱۳۸۹)، **مکان و بی‌مکانی**، ترجمه محمدرضا نقصان محمدی و کاظم ماندگاری و زهیر متکی، آرمان‌شهر تهران.
۲۳. ساروخانی، باقر و طالبی، رضا (۱۳۸۸)، «مدینه فاضله در اندیشه ابونصر فارابی»، **جامعه‌شناسی معاصر**، سال اول، شماره ۲، صفحه ۸۶-۴۹، بهار.
۲۴. سعیدنی، احمد و ابوالمعالی، المیرا (۱۳۹۳)، «ارتقاء هویت محلات شهری با استفاده از روش چیدمان فضا»، **اولین همایش ملی افق‌های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری**، عمران، گردشگری، انرژی و محیط زیست شهری و روستایی، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، همدان.
۲۵. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۷)، **حکمه الاشراق**، ترجمه سیدجعفر سجادی، دانشگاه تهران، تهران.
۲۶. سهروردی، یحیی‌بن حبش (شیخ اشراق) (۱۳۸۰)، **بخش طبیعیات از کتاب تلویحات**، ترجمه سیدحسین سیدموسوی، جابر، تهران.
۲۷. شریعتی، علی (۱۳۵۹)، **تاریخ تمدن**، جلد اول، دفتر تنظیم مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، تهران.
۲۸. شکویی، حسین (۱۳۶۹)، **جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر)**، چاپ دوم، جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۹. شیعه، اسماعیل (۱۳۷۳)، «در جست‌وجوی سنت‌های فرهنگی در محلات مسکونی جدید»، **مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران**، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
۳۰. طاهری، جعفر (۱۳۹۲)، «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری»، **دوفصلنامه مطالعات معماری ایران**، شماره ۴، صفحه ۲۲-۵، پاییز و زمستان.
۳۱. عبداللهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۸۹)، «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»، **نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۷۲، صفحه ۱۰۲-۸۳، تابستان.
۳۲. فارابی، محمد ابن محمد (۱۳۷۶)، **ابونصر فارابی**، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، سروش، تهران.
۳۳. فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۶، صفحه ۶۶-۵۷، تابستان.
۳۴. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۷۴)، **باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی**، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
۳۵. فولادی دهقی، سیاوش (۱۳۹۱)، «الگوی سکونت خارج از مسکن (طراحی نمونه موردی: محله جلفا)»، **پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد**، به راهنمایی دکتر مهدی معینی و مشاوره دکتر عیسی حجت، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، تهران.
۳۶. قرایی، فریبا (۱۳۸۷)، «نقش خصوصیات کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس جامعه محلی (با توجه به مطالعه میدانی در دو محله شهر تهران)»، **مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محلات تهران**، ۷۷-۶۷، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران.
۳۷. کشفی، محمدحسین؛ جواهرپور، حسام و کشفی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «بررسی مبانی فلسفی «سکنی‌گزینی» از دیدگاه پدیدارشناسی با تکیه بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی»، **فصلنامه اندیشه دینی**، دانشگاه شیراز، دوره ۱۴، شماره ۲، صفحه ۸۰-۵۵، تابستان.
۳۸. کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲)، «تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن (نمونه موردی: پیاده‌راه شهری)»، **نشریه هنرهای زیبا**، دوره ۱۸، شماره ۳، صفحه ۵۲-۴۳، پاییز.



ابن خلدون، «فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۱۹، صفحه ۷۵-۶۵، بهار، ۵۸. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱)، **معماری، حضور، زبان و مکان**، ترجمه علیرضا سید احمدیان، موسسه معمار نشر، تهران.

۵۹. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۷)، **مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی**، ترجمه محمود امیرناراحمدی، نشر آگه، تهران.

۶۰. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۸)، **روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری**، ترجمه محمدرضا شیرازی، انتشارات رخداد نو، تهران.

۶۱. هایدگر، مارتین، (۱۳۸۹)، **هستی و زمان**، ترجمه سیاوش جمادی، انتشارات ققنوس، تهران.

۶۲. وحیدی برجی، گلдіس (۱۳۹۴)، «بررسی دیدگاه‌های ملاصدرا با تأکید بر ابعاد اجتماعی و مدینه فاضله»، **مجموعه مقالات همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی**، دانشگاه پیام نور استان گیلان، رشت.

63. Altman, Irwin. & low. Setha. M (1992). Place Attachment, A Conceptual Inquiry. Plenum Press, New York

64. Brocato, Elisabeth Deanne (2007). Place Attachment: An Investigation of Environments and Outcomes in a Service Context, Phd Dissertation in University of Texas at Arlington. Retrieved from <http://hdl.handle.net/10106/244>.

65. Carmona, Matthew and Heath, Tim and Oc, Tamer and Tiesdell, Steve (2003). Public Places- Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design, Architectural Press, Oxford.

66. Dudley, Woodberry (1988). "Guest Edition Lim Cities", Volum (15), No (3).

67. Heidegger, Martin (1971). Building dwelling thinking. Poetry, language, thought, Harper & Row, NewYork.

68. Kaltenborn, B.P (1998). "Effects of Sense of Place on Responses to Environmental Impact: A Case Study among Residents in an Arctic Community", Applied Geography, Vol (18), No (2): 169-189.

69. Lansing, J. B, and Marans, R. W (1969). "Evaluation of Neighborhood Quality", JAIP Journal (Journal of the American Institute of Planners, volume (35), No (3): 195-199.

70. Montgomery, J (1998). "Making a city: Urbanity, vitality and urban design", Urban Design, No (1): 93-115.

71. Relph, Edwards (1976). Place and Placelessness, Poin press, London.

72. Riger, Stephanie & Lavrakas, Paul J (1981). "Community ties: Pat-Terns of attachment and social interaction in urban neighborhoods". American Journal of Community Psychology, No (9): 55- 66.

73. Shamaj, Shmuel (1991). "Sense of place: an empirical measurement". Geoforum, Volume (22), No (3): 347- 358.

74. Steele, Fritz (1981). The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston.

75. Tiesdell, Steve & Carmona, Matthew (2007). Urban Design Reader: The Dimention of Urban Design, Architectural press, London

Surveying and Analyzing of Effective Factors on the Concept of Neighborhood as a Place of Dwelling Based on the Views of the Prominent Philosophers of Islamic Utopia

Gholam Reza Haghghat Naeini *(Corresponding Author)

Associate Professor of Urban Planning, Art University, Tehran, Iran

* haghghatreza@gmail.com

Mohammad Shaikhi

Associate Professor, Department of Urban Planning and Regional Development, Allameh Tabatabaee University.

Morteza Mahmoudi Mehmandoost

PhD student of urban planning, Art University, Tehran, Iran

Abstract:

Researches and evidences about living in traditional Iranian neighborhoods reveals a coherent, self-made physical and social structure that expresses the great concepts of human habitations. But today, the City has been separated to different networks of social relationships, which its borders and limits are different for each citizen. The consequences of this semantic change and the social separation is declining the life concepts at neighborhoods in recent decades. As a result, it is necessary to review and analyze the concepts of living in traditional neighborhoods for analyzing the ways to improve the quality of today's cities. Neighborhood, the sense of belonging to it, collaboration and social participation are the concepts that lead the living in traditional neighborhoods and using the lessons of such a model can revitalize the identity of the neighborhoods and enhances the community-led approaches to society development. Achieving such results requires the acceptance of the neighborhood as a spiritual place and a guidance to the individual and social flows of dwelling. Among the different opinions and perspectives about the concept of the neighborhood, the Islamic Utopia Philosophers and idealists including Farabi, Mulla Sadra, Suhrawardi and etc., despite of some variations, have a similar approach to the place-led and community-led characteristics of traditional Islamic neighborhoods. Therefore, in this research, while analyzing and proving the role of "neighborhood as a place of dwelling", we find and analyze the factors of neighborhood concept perception based on the viewpoints of Philosophers of the Islamic Utopia. This research's method is a combination of historical interpretation and content analysis. For studying the viewpoints of the Islamic Utopia idealists and philosophers, the texts and historical documents have been interpreted and analyzed. Also, for studying the theoretical foundations of concepts and terms such as place, neighborhood, dwelling, and the analysis of the early Islamic Utopia philosopher's opinions, content analysis method has been used. The result shows that the six factors is inferred from the viewpoint of the Islamic Utopia idealists which are the main factors of perceiving the concept of the neighborhood: 1. Collaboration and social participation, 2. Sense of belonging to the neighborhood, 3. Hierarchy and privacy, 4. Individual and social values, 5. Buildings and physical elements of the neighborhood, and 6. Providing of welfare and satisfaction of the neighborhood.

Keywords: Place, Neighborhood, Dwelling, Perception of the Neighborhood Concept, Utopia.